

خاطرات جنگ جهانی دوم

جلد پنجم

در خم کمند

۶ ژوئن - ۱۲ نوامبر ۱۹۴۳

وینستون چرچیل

تورج فرازمند

نشر دبیر

۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ج.

وضعیت فهرست نویسی : فیفا

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد چهارم، ۱۴۰۰.

یادداشت: عنوان اصلی: The second world war

مندرجات: ج. ۱. در فاصله دو جنگ- ج. ۲. لحظات حساس- ج. ۳. اتحاد بزرگه اول ژانویه- ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱- ج. ۴. جنگ ژانین، ۱۸ ژانویه- ۳ ژوئیه ۱۹۴۳-

ج ۵ در خم کمند ۶ ژوئن - ۱۲ نوامبر ۱۹۴۳ - ج ۶ بیروزی، ۴ فوریه ۱۹۴۵ - ۲۶ ژوئیه ۱۹۴۵.

موضوع: چرچیل، وینستون؛ ۱۸۷۴ - ۱۹۶۵ م؛ Churchill, Winston

جنگ جهانی دوم، ۱۹۳۹-۱۹۴۵ م: World War, 1939-1945

۱۹۳۹-۱۹۴۵ -- Personal narratives: *دوم، ۱۹۳۹-۱۹۴۵ م. — خاطرات*

جنگ جهانی دوم، ۱۹۳۹-۱۹۴۵ م. — انگ

شناسه افزوده: فراز مند، تورج، ۱۳۰۷ -، مترجم

دوبندی، کنگہ: ۶/۵۶۶DA

دہلوی دیوبند: ۸۴۰۹۲/۹۴۱

شماره کاتالوگ: ۷۶۳۱۶۹۵



جلد پنجم: در خم کمند

وینستون چرچیل

تورج فرازمند

چاپ: اول، ۱۴۰۰

چاپخانه: پیام

صحافی: تاجیک

تیراژ: ۱۰۰ نسخه

شاک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۵۱-۰۳-۵

شایک دو، ۵: ۶-۹-۹۸۷۲۷-۶۲۲-۹۷۸

قیمت دوره: ۸۵۰,۰۰۰ تومان

تهران، خیابان آزادی، میدان انقلاب، پاساژ ایران، طبقه سوم، پلاک ۱۰۷

7797.7.2-77413727

سایت: www.samirpublication.com

مقدمه

در کتاب «ورق برمی گردد»، تحولات اساسی که به نفع ما در جریان کلی جنگ روی داد و زمستان سال ۱۹۴۲ و بهار ۱۹۴۳ را روشن ساخت شرح دادم. در کتاب «در خم کمند»، وقایع یک سال جنگ، یعنی از ژوئن ۱۹۴۳ تا ژوئن ۱۹۴۴ شرح داده شده است. متفقین غربی با تسلط بر دریاها و از میان بردن خطر زیردریایی‌ها و با تکیه بر تفوق هوایی که روز به روز بیشتر می‌شد توانستند جزیرهٔ سیسیل را فتح کنند و به ایتالیا حمله‌ور گردند. نتیجه آن شد که موسولینی سقوط کرد و ملت ایتالیا به اردوی ما درآمد و در صف ما قرار گرفت. هیتلر و کشورهای که تصرف کرده بود تنها ماندند و در میان هجوم قوای متفقین و حملهٔ وسیعی که روسیه از مشرق آغاز کرده بود به کلی محاصره شدند. در همین احوال ژاپن مجبور شد که سیاست جنگی دفاعی پیش گیرد و بیهوده می‌کوشید سرزمین‌های وسیعی را که مورد تجاوز قرار داده بود حفظ نماید.

ملل متحد دیگری از شکست نداشتند، بلکه خطر آن می‌رفت نبردی که شروع کرده بودند هیچ بر هیچ پایان یابد. ملل متحد در مقابل این اقدام عظیم، یعنی هجوم بر خاک اصلی دو کشور متجاوز و آزاد ساختن مللی که از پای درآمده بودند، قرار گرفته بودند. این مسئله که حائز اهمیت جهانی بود در تابستان بین امریکا و انگلیس در کنفرانس کمک در واشنگتن، و در ماه نوامبر بین سه متفق بزرگ در کنفرانس تهران مورد بحث قرار گرفت. بین ما در زمینهٔ هدف کلی و تصمیم به فدا کردن همه چیز برای پیروزی مشترک اختلافی وجود نداشت. درخصوص شیوه‌های مختلف جنگی و برتری یا ارجحیتی که می‌بایست به بعضی عملیات داده شود طبعاً اختلاف نظرهای بسیار پیدا شد، زیرا طبیعی بود که هریک از متفقین تصمیمات لازم را از زاویهٔ دید خود بنگرد. اینکه چگونه در خصوص همهٔ مسایل مهم بین متفقین توافق نظر کامل حاصل شد مطلبی است که اینک باید شرح دهم. شرح این مطلب منتهی

به آزاد ساختن رم و تهیه مقدمات عبور قوای امریکا و انگلیس از دریای مانش و پیاده شدن در نورماندی می‌گردد.

من در این کتاب شیوه‌ای را که در کتاب‌های سابق بر دم دنبال می‌کنم، تنها هدف من این است که از دید نخست‌وزیر و وزیر دفاع بریتانیا مطالب و مسائلی را که می‌توانند به روشن شدن تاریخ کمک کنند بیان کنم. اساس این کار همچنان بر متن تلگرام‌ها و دستورها و یادداشت‌هایی است که در جریان امور نوشته شده نه اینکه بعد از پایان جنگ تنظیم شده باشد. بعضی‌های توصیه کرده‌اند که این اثر باید شامل پاسخ‌هایی که عده‌ای به اسناد مندرج در کتاب داده‌اند باشد؛ اما من خود چنین تشخیص دادم که کتاب باید تا آنجا که ممکن است فشرده و خلاصه باشد؛ لذا ناگزیرم از کسانی که نظریاتشان آن‌طور که مایل بودند به تفصیل در این کتاب بیان نشده پوزش بخواهم.

از حوادثی که در این کتاب شرح داده شده بیش از هفت سال می‌گذرد. در روابط بین‌المللی، بسیاری از امور تغییر کرده است. گودال‌های عمیقی بین هم‌زمان سابق به وجود آمده است. ابرهای جدیدی که شاید تیره‌تر از ابرهای پیش از جنگ اخیر باشد در آسمان پدیدار شده است. دشمنان سابق اکنون دوست شده‌اند و حتی متفرق گردیده‌اند. به این ترتیب در وضع فعلی، شاید بعضی احساسات که در این کتاب بیان شده و تلگرام‌هایی که مخابره گشته و یادداشت‌ها و صورتجلسه کنفرانس‌ها موجب تعجب خواننده ناوارد گردد. من فقط به این نکته اکتفا می‌کنم که به این خوانندگان یادآور شوم که این اسناد ارزش تاریخی دارد و ما در آن زمان به جنگی وحشتناک دست زده بودیم و وقتی انسان برای دفاع از جان خود بجنگد نمی‌تواند به کسانی که قصد جانش را کرده‌اند مهربانی کند. از طرفی اگر لحن جملات آن زمان را تغییر می‌دادم و آنها را ملایم می‌کردم حقیقت را دگرگون جلوه داده بودم. زمان و حقیقت، زخم‌ها را التیام می‌بخشد و خشک می‌کند.

وینستون سپنسر چرچیل

اول سپتامبر ۱۹۵۱

چارتول (Chartwell)، وسترهام (Westerham)، کنت (Kent)